



زارع، بیژن؛ نصرتی نژاد، فرهاد و کریمی، رامین (۱۳۹۷). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت شهروندی (مورد مطالعه: تفکیک زباله از مبدأ در شهر تهران ۱۳۹۲). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۵(۱۱)، ۶۱-۳۹.

بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت شهروندی (مورد مطالعه: تفکیک زباله از مبدأ در شهر تهران ۱۳۹۲)

بیژن زارع^۱، فرهاد نصرتی نژاد^۲ و رامین کریمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۷

چکیده

تفکیک زباله و بازیافت آن از مقوله‌های مهم زیست محیطی و اقتصادی محسوب می‌شود. هدف این پژوهش شناخت عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر و تعیین میزان سهم و نقش این عوامل در تبیین مقوله مشارکت در تفکیک زباله است. جمعیت آماري این پژوهش شهروندان ۱۵ تا ۷۵ ساله شهر تهران است. نمونه آماری شامل ۳۸۴ نفر می‌باشد که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی و خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده است روش تحقیق پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه می‌باشد. نتایج آزمون رگرسیون تک متغیره نشان داد که متغیرهای مسؤولیت شهروندی، باورهای نادرست، سودمندی تفکیک زباله، اعتماد به شهرداری و نگرش زیست محیطی و شرایط عمل بر میزان مشارکت در تفکیک زباله مؤثر هستند. با توجه به مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده می‌توان گفت که متغیرهای شرایط عمل (۰/۴۴-) و احساس مسؤولیت شهروندی (۰/۴۳+) دارای بیش‌ترین تاثیر بر متغیر مشارکت در تفکیک زباله هستند. همچنین نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره نشان داد متغیرهای شرایط عمل، احساس مسؤولیت شهروندی و باورهای نادرست در مدل باقی مانده و تاثیرشان در بررسی همزمان متغیرهای پیش بین مورد تایید قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که شرایط عمل نقش مهمی در مشارکت در تفکیک زباله از مبدأ ایفا می‌کنند همچنین احساس مسؤولیت شهروندی نیز عاملی مهم قلمداد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تفکیک زباله از مبدأ؛ مشارکت شهروندی؛ عوامل اجتماعی- فرهنگی؛ محیط زیست؛ بازیافت.

۱- دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسؤل)، dr_bizhanzare@yahoo.com

۲- استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم بهزیستی، Farhad.Nosrati@gmail.com

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، rkarimi777@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مساله

فرآیند شهری شدن در سده بیستم فرآیندی جهانی است که کشورهای در حال توسعه را نیز به نحو فزاینده‌ای در بر می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۸۲۸). کشور ایران نیز در نیم قرن اخیر به ویژه از دهه‌ی ۱۳۵۵ با سرعت بیشتری به رشد شهرنشینی، افزایش شهرها و جمعیت شهری خود دست زده است (نظریان، ۱۳۷۴: ۱۵۱). بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که طی یک دوره ۸۰ ساله میزان شهرنشینی در افزایش چشمگیری داشته است و از ۲۸ درصد در سال ۱۳۰۰ به ۶۸ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است و تعداد شهرهای کشور نیز از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۰۱۶ شهر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است، در نتیجه ترکیب جمعیت کشور از یک وضعیت غالباً روستایی عشایری به یک ترکیب «اکثریت شهرنشین» مبدل شده است (سرور و دیگران، ۱۳۸۸). نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن نشان می‌دهد که جمعیت استان تهران از ۱۹۹۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۲۱۸۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است و افزایشی نزدیک به ۶ برابر را تجربه کرده است (مرکز آمار ایران).

این رشد قارچ گونه شهرها همراه بود با انبوهی از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی. معضلات زیست محیطی مانند کمبود مسکن، کمبود آب، آلودگی هوا و مسائل مربوط به جمع آوری و دفن زباله، معضلات اجتماعی- اقتصادی مانند فقر، نابرابری، بیکاری و حاشیه نشینی و نیز مسائلی چون ترافیک و مسئله آمد و شد، مسئله اوقات فراغت، کمبود امکانات بهداشتی و درمانی و ده‌ها مسئله دیگر. به دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل، جامع‌نگری و توجه به ابعاد و جنبه‌های مختلف مسائل شهری به منظور حل پایدار آن‌ها اجتناب ناپذیر است. برای مواجه شدن با این مشکلات و هدایت این روند چاره‌ای جز تجدید نظر در روش‌های سنتی اداره شهرها وجود ندارد؛ از جمله این روش‌ها می‌توان به «مشارکت» مردم در مدیریت شهر اشاره کرد. تجربه بسیاری از شهرها در کشورهای توسعه یافته، موید این مطلب است که حل مشکلات شهری و توسعه پایدار شهری تنها با بهره‌گیری درست و بهینه از توان‌ها و استعدادهای موجود در شهروندان در قالب برنامه‌های مشارکتی، قابل دست‌یابی است.

مرور گزارش‌های ملی کشورهای مختلف دنیا که به اجلاس استانبول تحت عنوان زیست بوم شماره دو^۱ در سال ۱۹۹۶ ارائه شدند نشان داد تقریباً در تمامی آن‌ها، مشارکت شهروندان نقشی اساسی را در برنامه‌های مدیریت و اداره شهرها دارد. حتی گزارش ملی آمریکا نیز حکایت از آن

دارد که مدیران و برنامه‌ریزان این کشور بر این اندیشه اند که در شرایط کنونی حل مسائل شهری نیاز به مشارکت شهروندان دارد و نظام اداری متمرکز و از بالا به پایین کارآیی لازم را ندارد (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۹۰-۹۱). در این میان، یکی از حیطه‌هایی که مشارکت شهروندان در آن بسیار تعیین کننده است مقوله تفکیک زباله از مبدأ است که مشارکت شهروندان رکن اصلی پیشرفت و گسترش آن است.

۱-۱- طرح مسأله و اهمیت موضوع

افزایش میزان جمعیت، صنعتی شدن، شهرنشینی و افزایش استاندارد زندگی با توجه به افزایش سریع مواد مصرفی و در نتیجه ازدیاد مواد زائد جامد و مایع از جمله موضوعاتی است که اخیراً بحران‌های عظیمی را در جوامع بشری به وجود آورده و به عنوان یکی از چالش‌های عمده پیش‌روی بشر خود نمایی می‌کند (لاگرا و همکاران^۱، ۲۰۰۱). به همین دلیل و به خاطر شدت آلودگی‌های زیست‌محیطی و نیز مراکز تجمع صنایع، توجه منابع علمی و اجرایی جهان نسبت به دفع صحیح و یا بازیافت اصولی این مواد جلب شده است (سازمان حمایت زیست محیطی آمریکا^۲، ۲۰۰۴).

علاوه بر آن، کمبود یا از بین رفتن محل‌های سنتی دفع زباله، کنترل‌های سخت زیست-محیطی ناظر بر دفع زایدات و پسماندها، افزایش حجم و وزن آنها به ویژه در شهرهای بزرگ، همگی سهم بسزایی در ازدیاد توجه به این مقوله داشته‌اند. این در حالی است که هزینه خدمات و پشتیبانی دفع پسماندها سریعاً در حال رشد است. با این وجود، چون خدمات دفع پسماندها از نظر اقتصادی تغییر می‌کند، بازیافت این مواد و وسایل مورد استفاده در این زمینه به نحو فزاینده-ای مقرون به صرفه می‌شود (سازمان ملل، ۱۳۷۷).

با این وجود، تنها صرف تاسیس و تجهیز کارخانه‌های تفکیک و بازیافت زباله برای حل معضل مواد زائد شهری کفایت نمی‌کند. بازیافت باید مانند هر صنعت دیگری اقتصادی باشد. بنابراین، بازیافت فقط به معنی جمع‌آوری مواد برای استفاده مجدد نیست، بلکه ایجاد توسعه بازار برای فروش مواد بازیافتی نیز هست (عمرانی، ۱۳۷۳). تجربه ۳۵ ساله کشورهای صنعتی در زمینه بازیافت مواد از زباله‌های شهری نشانگر این بوده است که یکی از بهداشتی‌ترین و اقتصادی‌ترین روش‌های بازیافت زباله‌های شهری، جداسازی زباله در محل تولید (تفکیک در

1- LaGrega

2- Environmental Protection Agency (U.S. EPA)

مبدأ) می باشد (داهلن^۱ و دیگران، ۲۰۰۷). اولین قدم در بازیافت زباله، جداسازی آن برحسب جنس و نوع مواد زاید است.

تفکیک زباله در مبدا مواد و استفاده مجدد از آنها از جهات مختلف بهداشتی، زیست محیطی، اقتصادی، اشتغال زایی و غیره مطرح است. بازیافت در کشورهای پیشرفته و بسیاری از کشورهای در حال پیشرفت، مزایا و منافع اقتصادی قابل ملاحظه ای برای جوامع در بر دارد. برحسب یافته های آژانس حفاظت از محیط زیست آمریکا (در سال ۲۰۰۵) صنایع بازیافت و بازتولید در آمریکا، حدود ۱ میلیون شغل صنعتی و ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد در پی داشته است (بتول^۲ و دیگران، ۲۰۰۷).

در حال حاضر در شهر تهران حدود ۷۰۰۰ تن و سالیانه حدود ۲/۵ میلیون تن زباله تولید می شود که در این میزان زباله با توجه به آنالیز انجام شده حدود ۷۰٪ - ۷۵٪ مواد آلی قابل کمپوست (زباله تر) و ۲۰٪ - ۲۵٪ مواد خشک قابل بازیافت و ۵٪ - ۱۰٪ سایر مواد زاید وجود دارد. در صورت جدا سازی این مواد در مبدا کمک شایانی در بازیافت و دفع بهداشتی آن نموده و از آلودگی محیط زیست و از بین رفتن سرمایه های ملی جلوگیری می نماییم (عبدلی و دیگران، ۱۳۸۸). همچنین آمارها نشان می دهد که در برخی از مناطق شهر تهران با اجرای طرح تفکیک از مبدأ حدود ۱۲ درصد از زباله تولیدی توسط خانوارها به شکل زباله خشک جدا، و به پیمانکاران بازیافت تحویل داده شده است (نقوی و دیگران، ۱۳۸۶).

گزارش های صورت گرفته نشان می دهد که میزان تفکیک زباله از مبدا در طی سالهای اخیر روند افزایشی داشته است اما این در حالی است که در طی همین مدت میزان تولید زباله در هر خانوار افزایش قابل ملاحظه ای داشته است. بنابراین نه تنها بایستی اقداماتی در ارتباط با کاهش تولید زباله به عمل آید، بلکه با گسترش فرهنگ تفکیک زباله از مبدا علاوه بر توجیه اقتصادی بیشتر فعالیت هایی که برای جمع آوری این مواد انجام می شود، هزینه های مربوط به جمع آوری سایر مواد غیر قابل بازیافت و یا غیر قابل تفکیک را به مقدار قابل ملاحظه ای کاهش داد. بهبود طرح تفکیک از مبدأ نیازمند افزایش همکاری مردم، افزایش کارایی ادارات بازیافت، افزایش کارایی پیمانکاران، افزایش سطح آگاهی های افراد درگیر و بکارگیری تکنولوژی های مناسب می باشد (عبدلی و دیگران، ۱۳۸۸). عامل تعیین کننده در طرح های مربوط به تفکیک زباله از مبدأ، مشارکت شهروندان است. چنان چه شهروندان مشارکت مطلوبی در مقوله تفکیک زباله از

1- Dahlen

2- Batool

مبدأ و نیز تحویل زباله های تفکیک شده به دست اندرکاران شهرداری داشته باشند می توانیم شاهد پیشرفت چشمگیری در توسعه بازیافت و مدیریت پسماندهای شهری باشیم.

در موضوع تفکیک زباله از مبدأ و عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان تحقیقات اندکی صورت گرفته است و خلاء تحقیقات مناسب و جامع در این زمینه کاملاً مشهود است. هدف این پژوهش شناخت برخی از مهم ترین عواملی (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و موانع عملی) است که بر مشارکت شهروندان در مقوله تفکیک زباله از مبدأ تأثیر گذارند و بررسی این امر که کدام یک از این عوامل دارای نقش و سهم بیشتری در پیش بینی مشارکت شهروندان هستند.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش های تجربی

در ارتباط با مشارکت پژوهش های متعددی صورت گرفته است، در ذیل به چند نمونه از تحقیقات داخلی اشاره خواهد شد.

جدول ۱: پژوهش های داخلی مرتبط با مشارکت شهروندی

پژوهشگر	عنوان پژوهش	جامعه آماری	روش	متغیرهایی دارای ارتباط با مشارکت
علوی تبار، علی رضا (۱۳۷۸)	تعیین الگوی مشارکت شهروندان در جامعه مردم سالار	کل کشور	پیمایشی	سن، تحصیلات، اعتماد به نفس، وضعیت شغلی، روابط سنتی و اخلاقی، هزینه، فایده مند بودن طرح زبان(فارسی)، شهرنشینی، احساس بی قدرتی
الشوکی، یحیی (۱۳۸۳)	بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره	ساکنان منطقه ۶ تهران	پیمایشی	احساس فایده مندی، احساس بی قدرتی، سطح اطلاعات، سن
حسینی، فریده (۱۳۸۴)	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت جوانان در سازمان های غیر دولتی	جوانان مناطق مختلف شهر تهران	پیمایشی	ارزش فرامادی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، تحصیلات، سرمایه اجتماعی، جنسیت و شغل

(منبع: کریمی، ۱۳۹۲)

عوامل خانوادگی (یادگیری برقراری رابطه با دیگران، مشارکت اعضای خانواده) عوامل شخصیتی (امید به آینده، فعال گزایی، تعهد اجتماعی، دلبستگی اجتماعی و اعتماد اجتماعی) بی قدرتی، دسترسی به امکانات آموزشی، ارزش ها در زندگی، آگاهی از مشارکت، ارزیابی از موانع	پیمایش	شهروندان شهر تهران	عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی	یزدان پناه، لیللا (۱۳۸۲)
احساس بی قدرتی، آشنایی با حقوق شهروندی، هزینه و فایده	پیمایشی	ساکنان شهر فرخ شهر (چهارمجال و بختیاری)	بررسی عوامل موثر بر گرایش شهروندان به مشارکت در اداره امور شهرها	احمدی، منصور
سن، وضعیت تاهل، جنس، سطح تحصیلات، وضعیت فعالیت، نحوه آموزش، تاثیر رسانه های گروهی، رضایت از خدمات شهری، اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، احساس فایده مندی و باور به سودمندی مشارکت	اسنادی و پیمایشی	شهروندان شهر تهران	تبیین عوامل اجتماعی موثر بر جلب مشارکت شهروندان در تفکیک و جمع آوری زباله های خانگی	نوابخش، مهرداد
احساس بی قدرتی، میزان آگاهی نسبت به مشارکت در امور شهری، سن، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عضویت انجمنی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، رضایت از عملکرد شهرداری، احساس خود اثر بخشی شهروندی	پیمایشی	ساکنان شهر مشهد	عوامل موثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره ی امور شهر مشهد	هاشمیان، مریم

با توجه به تحقیقات پیشین و با جمع بندی تحقیقات انجام شده می توان بیان کرد که مهم ترین عوامل موثر بر مشارکت شهروندی شامل عوامل زیر است: احساس فایده مندی مشارکت، احساس بی قدرتی، سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی و عضویت انجمنی)، میزان آگاهی (آگاهی از حقوق شهروندی)، سابقه مشارکت، پایگاه اجتماعی اقتصادی، ساختار قدرت در خانواده، ارزیابی از موانع، خوداثر بخشی و رضایت از خدمات شهری. این پژوهش با توجه به نتایج پژوهش های پیشین و با توجه به نتایج مصاحبه و مشاهده وضعیت؛ تعدادی از عوامل را برگزیده است. بایستی توجه کرد که مقوله های مشارکت با یکدیگر متفاوت بوده و هر

مقوله را می بایست به صورت جزئی و تخصصی بررسی کرد و مثلاً ممکن است عوامل مؤثر بر مقوله های دیگر بر مقوله تفکیک زباله مؤثر نباشند.

۲-۲- چهارچوب نظری

در باب سبب شناسی (اتیولوژی) مشارکت باید گفت که، هیچ تئوری کلی که همه یا اغلب متغیرهای مربوط به مشارکت را در بر داشته باشد، مطرح نشده است. از نظر سلیز مشارکت پدیده ی پیچیده است که به تعداد بسیار زیادی متغیر که دارای وزن های نسبی متفاوت می باشند، وابسته است (موسوی، ۱۳۹۱: ۹۸). نظریه های به کار گرفته شده در این پژوهش جهت بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت در مقوله تفکیک زباله از مبدأ به صورت زیر است:

نظریه سرمایه اجتماعی: صاحب نظرانی چون مولیناس با بهره گیری از اندیشه کلمن که به طرح سرمایه اجتماعی پرداخته است معتقدند که با افزایش سرمایه اجتماعی در یک جامعه، مشارکت اجتماعی بسط و گسترش می یابد و سرمایه اجتماعی را یک نوع خیر همگانی می دانند. به نظر مولیناس سرمایه اجتماعی محصول فعالیت های اجتماعی و شبکه های عمیق تعاملی است که اعضای جامعه را به همکاری، تعاون و مشارکت ترغیب می کند (مولیناس^۱، ۱۹۹۸: ۴۱۶). پاملا پکستون سرمایه اجتماعی را آن دسته از روابط اجتماعی می داند که می توانند به تولید کالای مادی و غیرمادی کمک کنند. او معتقد است سرمایه اجتماعی دو بعد را شامل می شود: روابط عینی (مشهود) میان افراد از یک سو و پیوندهای ذهنی میان همان افراد از سوی دیگر. تعریفی که پکستون مطرح می کند هم بعد عینی روابط بین افراد که کلمن بر آن تاکید می کند در برمی گیرد و هم نظریه ذهنی بوردیو که مبتنی بر اعتماد است شامل می شود (چلبی، ۱۳۸۴: ۵). در این پژوهش عوامل اعتماد بین فردی، اعتماد به نهاد شهرداری و میزان پیوند همسایگی مورد سنجش قرار گرفت.

نظریه مبادله: نظریه مبادله براساس داد و ستد و بده- بستان بنیان نهاده شده است. این نظریه که متأثر از نظریه یادگیری است، کنش افراد را بر اساس اصل پاداش و مجازات تبیین می کند. جرج هومنز به عنوان یکی از نظریه پردازان وابسته به این مکتب، پاداش و تنبیه را مبنای رفتار در نظر می گیرد. وی معتقد است هر رفتاری که پاداش بیشتری برای فرد داشته باشد و یا آن فرد معتقد باشد که چنین پاداشی در انتظار اوست، احتمال اینکه آن رفتار از او سرزند بیشتر خواهد بود. هومنز مبنای نظریه اش را در قالب قضایای موفقیت، محرک، ارزش، محرومیت،

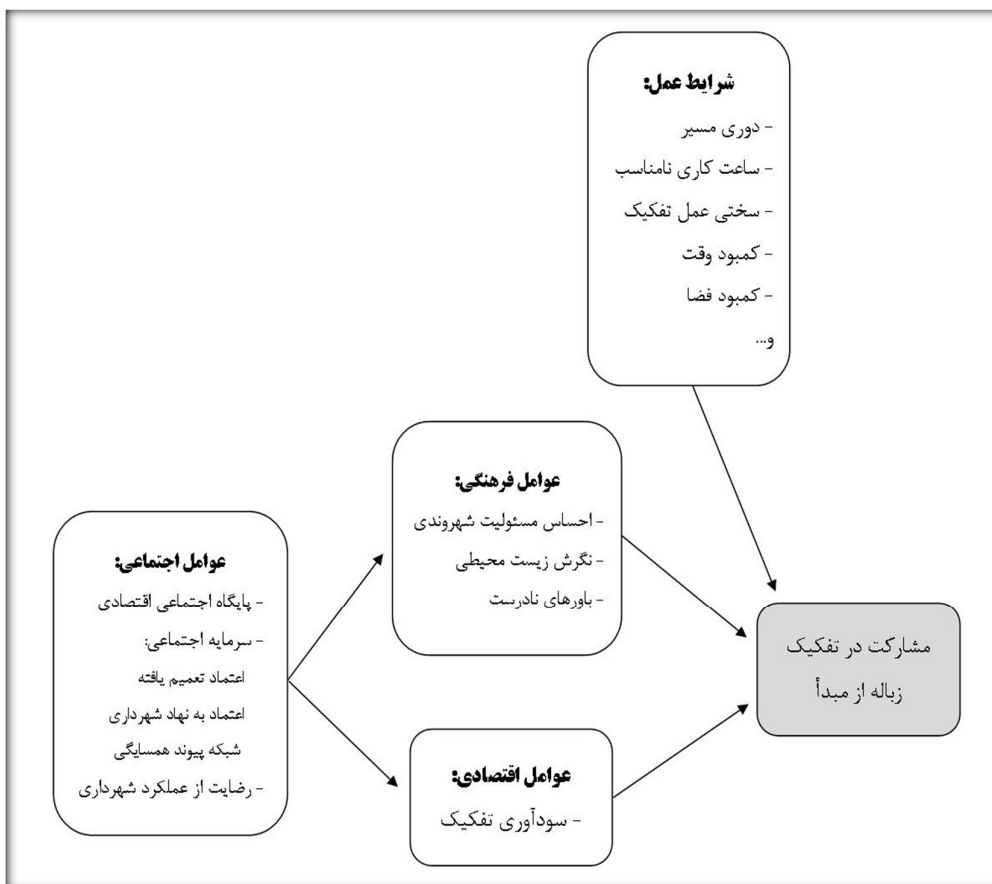
پرخاشگری و تأیید مطرح می‌کند (به نقل از ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۲۷-۴۳۰). عامل سودآور بودن مشارکت در تفکیک زباله (هزینه و فایده) در این پژوهش مورد سنجش قرار گرفت. آگاهی‌های زیست‌محیطی: نتایج تحقیقات گذشته حاکی از این است که بین آگاهی زیست‌محیطی و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد. کایزر و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند افرادی که آگاهی بیشتری درباره مسائل زیست‌محیطی دارند، به محیط زیست و مسائل آن حساس می‌شوند و در نتیجه رفتارهای مسئولانه‌ای در برابر محیط زیست در پیش می‌گیرند. فردوسی و همکاران معتقدند که از جمله متغیرهای مهم برای پیش‌بینی رفتارهای انسان در برابر محیط زیست، میزان آگاهی و شناخت فرد درباره‌ی مسائل زیست‌محیطی است (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۱۲۷). در این پژوهش نگرش زیست‌محیطی افراد به عنوان عامل موثر بر مشارکت مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت.

مسئولیت شهروندی: مارشال یک از برجسته‌ترین نظریه‌های مربوط به شهروندی و حقوق شهروندی را ارائه داده است. به نظر وی، شهروندی پایگاهی است که به همه افرادی که عضو تمام عیار جامعه خود هستند داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه، حقوق و وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند و حقوق و وظایف شهروندی به موجب قانون تثبیت و حمایت می‌شود. امروزه شعار تمام جامعه‌شناسان شهری این است که واژه‌ی شهروندی؛ یعنی فرد خود را از شهر و شهر را از خود بدانند و در این شرایط است که بهتر می‌تواند زندگی کند که البته در تحقق واژه شهروندی و آگاه‌سازی مردم یک جامعه از این اصل و همچنین بحث حقوق شهروندی، آموزش نقش انکارناپذیری دارد. در مقابل حقوقی که شهروندان بر گردن نظام شهری دارند، نظام شهری نیز قطعاً حق و حقوقی را از شهروندان مطالبه می‌کند (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۵). در این پژوهش احساس مسئولیت شهروندی به عنوان عاملی موثر بر مشارکت برگزیده شد.

نظریه گرایش- آیزن و فیش باین: از آن جا که مشارکت یک کنش اجتماعی است، پس می‌توان در توضیح و تبیین آن از نظریه‌های مربوط به کنش اجتماعی بهره گرفت. مطالعات نظری گذشته حاکی از این است که یکی از کارآمدترین نظریه‌ها در این مورد نظریه آیزن و فیش باین در باب گرایش است. بر این اساس می‌توان گفت که رضایت مردم از عملکرد شهرداری یا نوع باور و نگرش آنان به عملکرد شهرداری به میزان مشارکت آنان موثر است و می‌توان بین این دو مقوله ارتباط برقرار کرد. در نتیجه عامل رضایت از عملکرد شهرداری به عنوان عاملی موثر بر مشارکت مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین باورهای نادرست افراد از مقوله تفکیک زباله از مبدأ و ماهیت و تاثیرات آن نیز به عنوان عامل دیگر مورد ارزیابی قرار گرفت.

نظریه های تضاد- پایگاه اجتماعی- اقتصادی: آلموند و پاول ضمن تاکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان در خصوص اثرات تعیین پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد بیان می دارند: بیش تر پژوهش های صورت گرفته نشان می دهد که شهروندان تحصیل کرده، ثروتمند و بهره مند از مهارت های حرفه ای، احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت جویانه باشند. منابع و مهارت هایی که این گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می آورند در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم می کند می تواند آن ها را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند. در نتیجه این بررسی ها شهروندان مرفه تر در جامعه معمولاً در مقایسه با شهروندان کم تر مرفه، در سیاست فعال ترند (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

شرایط عمل: همچنین باید ذکر کرد که مشارکت در هر مقوله ای همواره با موانعی روبروست و این موانع گسترده بوده و طیفی از موارد شامل فردی، گروهی، اقتصادی، جسمی، زمان و... را در بر می گیرد. در این پژوهش به بعضی از موانع عملی نیز اشاره خواهد شد و تاثیر این موانع بر مشارکت سنجیده خواهد شد. انتظار می رود که این موانع بر مشارکت افراد تاثیر گذار باشند. محقق پیش بینی می کند که مشارکت در مقوله تفکیک زباله از مبدا تا حدی متفاوت از مشارکت در مقولات دیگر است و انتظار می رود شرایط عمل (سختی آمد و شد، ساعت کاری نامناسب ماشین های جمع آوری زباله خشک، دوری غرفه های بازیافت، وقت گیر بودن تفکیک زباله و ...) بر میزان مشارکت افراد در تفکیک زباله هایشان موثر باشد. به طور کلی می توان بیان کرد که اگر مشارکت را فعالیت های ارادی و داوطلبانه ای که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و یا روستای خود شرکت می کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می شوند تعریف کنیم با استناد به نظریه های موجود می توان چنین گفت که این یک کنش اجتماعی است که تحت تأثیر عوامل اقتصادی (مانند سودآور بودن مشارکت)، عوامل اجتماعی (مانند سرمایه اجتماعی، پایگاه اجتماعی اقتصادی و رضایت از عملکرد شهرداری)، عوامل فرهنگی (مانند احساس مسئولیت شهروندی، نگرش زیست محیطی و باورهای رایج)، ویژگی های فردی (مانند سن، جنس و تحصیلات افراد)، است و در عین حال در یک شرایط یا موقعیت خاص (شرایط عمل) رخ می دهد بنابراین این که آن موقعیت خاص کنش را آسان کند و یا مانع در مقابل آن قرار دهد چگونگی مشارکت را تحت تأثیر قرار می دهد.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش، عوامل موثر بر مشارکت در تفکیک زباله از مبدأ

۳- روش تحقیق

این پژوهش در مجموع ترکیبی از روش کمی و کیفی است اما با محوریت روش کمی. نوع پژوهش پیمایشی بوده و هدف پژوهش کاربردی است و از نظر زمان گردآوری داده ها نیز پژوهشی مقطعی به حساب می آید. واحد مشاهده و سطح تحلیل در این پژوهش فرد است.

جمعیت آماری این پژوهش شامل تمامی افراد ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر تهران است. حجم نمونه نیز از با استفاده از فرمول کوکران ($t=1/96$ و $p=0/5$ و $d=0/05$ و $N=8293000$) برابر با ۳۸۴ نفر تعیین شد. حجم نمونه نهایی برابر با ۳۸۷ نفر است. روش نمونه گیری در این پژوهش از نوع مطبق خوشه ای است. در ابتدا از هر کدام از مناطق (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) یک منطقه به طور تصادفی برگزیده شد و سپس در هر منطقه حوزه ها، بلوک ها و در نهایت خانوارها انتخاب شدند.

ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه است. اما لازم به ذکر است که در مرحله اکتشافی و جهت تعیین عوامل مؤثر بر تفکیک زباله اقدام به مصاحبه نیمه عمیق با ۳ تن از مسئولین غرفه های بازیافت و نیز ۴ تن از شهروندان گردید و بعد از تعیین عوامل مؤثر از طریق مصاحبه و پیشینه نظری و تجربی، داده های لازم از طریق پرسشنامه بسته گردآوری گردید.

اعتبار مقیاس ها و پرسشنامه با روش اعتبار صوری و محتوایی و تایید صاحب نظران مورد تایید قرار گرفت و پایایی نیز به شیوه همسازی درونی و از طریق آلفای کرونباخ ارزیابی شد. پایایی مقیاس اعتماد تعمیم یافته برابر با ۰/۶۵، پایایی مقیاس پیوند همسایگی برابر با ۰/۸۲، پایایی سودمندی مشارکت برابر با ۰/۵۹، پایایی رضایت از عملکرد شهرداری برابر با ۰/۷۸، پایایی مسئولیت شهروندی برابر با ۰/۷۶، پایایی آگاهی های زیست محیطی برابر با ۰/۶۶ و پایایی مقیاس باورهای نادرست نیز برابر با ۰/۶۵ بدست آمده است.

نتایج بدست آمده در دو بخش توصیفی و تحلیلی- استنباطی ارائه می شود. تحلیل آماری داده ها با استفاده از نرم افزار اسپس اس اس ۲۰/۰ انجام گرفت. سطح آلفا جهت آزمون فرضیه ها نیز مقدار ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. متغیرهای پژوهش بدین جهت که ترکیب چند گویه (ترتیبی) هستند با تسامح به عنوان متغیر فاصله ای در تحلیل ها منظور شده اند. برخی معتقدند که در مواردی که چند متغیر ترتیبی با هم ترکیب می شوند و مقیاسی برای یک مفهوم انتزاعی ساخته می شود می توان آن ها را با تسامح مقیاس فاصله ای در نظر گرفت (نایبی، ۱۹۸۸: ۱۹).

۴- یافته‌های پژوهش

توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه: فراوانی زنان در این پژوهش برابر با ۳۰۱ نفر (۷۹ درصد) و مردان برابر با ۷۹ نفر (۲۱ درصد) است. تعداد ۴ نفر نیز جنسیت خود را اعلام نکردند. فراوانی افراد مجرد در این پژوهش برابر با ۱۰۷ نفر (۲۸ درصد) و فراوانی افراد متأهل برابر با ۲۷۴ نفر (۷۲ درصد) است. ۳ نفر نیز وضعیت تاهل خود را مشخص نکردند. فراوانی افرادی که صاحب منزل شخصی هستند برابر با ۲۴۶ نفر (۶۴ درصد) و فراوانی افرادی که در منازل استیجاری زندگی می‌کنند نیز برابر با ۱۳۸ نفر (۳۶ درصد) است.

فراوانی افرادی که شاغل هستند برابر با ۲۳۴ نفر (۶۱ درصد) است، فراوانی افرادی که خانه دار هستند برابر با ۹۰ نفر (۲۳ درصد)، فراوانی افرادی که بیکار هستند برابر با ۴۲ نفر (۱۱ درصد) و فراوانی افرادی که بازنشسته هستند نیز برابر با ۱۸ نفر (۵ درصد) است. فراوانی افرادی که میزان تحصیلاتشان زیر دیپلم است برابر با ۳۵ نفر (۹ درصد) است، فراوانی افرادی که میزان تحصیلات دیپلم دارند برابر با ۱۱۸ نفر (۳۱ درصد) است، فراوانی افرادی که تحصیلات فوق دیپلم دارند برابر با ۷۸ نفر (۲۰ درصد) است، فراوانی افرادی که تحصیلات لیسانس دارند برابر با ۱۲۰ نفر (۳۲ درصد) است و در انتها فراوانی افرادی که میزان تحصیلاتشان فوق لیسانس و بالاتر است برابر با ۳۰ نفر (۸ نفر) است. میانگین سن افراد شرکت کننده در این پژوهش برابر با ۳۶/۳ سال با انحراف معیار ۱۰/۴ سال است. جوان ترین پاسخگو ۱۹ سال و مسن ترین پاسخگو نیز ۶۱ سال سن دارد.

توصیف متغیر میزان تفکیک زباله: از پاسخگویان پرسیده شد که چقدر هر یک از زباله های خشک (نان خشک، کاغذ و مقوا، مواد پلاستیکی، شیشه و فلزات) را تفکیک می‌کنید. پاسخ ها در طیفی از اصلا تفکیک نمی‌کنم تا همیشه تفکیک می‌کنم را در بر می‌گیرد. نتایج در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

جدول شماره ۲: توصیف متغیر میزان تفکیک زباله های خشک (به درصد)

زباله خشک	اصلا	گاهی اوقات	متوسط	بیشتر اوقات	همیشه
نان خشک	۱/۶	۹/۵	۴/۸	۱۵/۹	۶۸/۳
کاغذ و مقوا	۲۳/۴	۲۰/۳	۲۳/۴	۱۸/۸	۱۴/۱
مواد پلاستیکی	۲۳/۴	۲۱/۹	۱۷/۲	۱۰/۹	۲۶/۶
شیشه	۲۹/۷	۱۰/۹	۱۴/۱	۲۳/۴	۲۱/۹
فلزات	۳۱/۳	۷/۸	۱۴/۱	۱۵/۶	۳۱/۳

نتایج جدول فوق نشان می دهد که حدود ۸۴ درصد از پاسخگویان بیان کرده اند که بیشتر اوقات یا همیشه اقدام به تفکیک زباله های خشک خود از همدیگر می کنند. تعداد افرادی که بیشتر اوقات یا همیشه اقدام به تفکیک کاغذ و مقوای خود می کنند برابر با ۳۳ درصد است. این مقدار در مورد مواد پلاستیکی ۳۸ درصد، در مورد شیشه ۴۵ درصد و در مورد فلزات برابر با ۴۷ درصد است. بر این اساس می توان گفت که پاسخگویان نان خشک و سپس فلزات را بیشتر از سایر زباله های خشک از یکدیگر تفکیک می کنند.

توصیف متغیر نوع تحویل زباله های تفکیک شده: از پاسخگویان پرسیده شد که زباله های خشک تفکیک شده خود را معمولا به کجا تحویل می دهند. نتایج نشان می دهد که تعداد ۲۰۱ نفر (۵۲ درصد) از پاسخگویان بیان کردند که زباله های خشک خود را به دوره گردها می دهند، تعداد ۱۲۹ نفر (۳۴ درصد) زباله های خشک خود را به ماشین های شهرداری تحویل می دهند. تعداد ۲۴ نفر (۶ درصد) زباله های خشک خود را به غرفه های بازیافت تحویل می دهند و تعداد ۳۰ نفر (۸ درصد) نیز زباله های خشک خود را درب منزل می گذارند.

آزمون فریدمن جهت رتبه بندی و اولویت بندی موانع تفکیک زباله: جهت الویت بندی (رتبه بندی) عوامل تغییر سازمانی از آزمون فریدمن استفاده شد. آزمون فریدمن برای مقایسه چند گروه وابسته از نظر میانگین رتبه های آن هاست و معلوم می کند که آیا این گروه ها می توانند از یک جامعه باشند یا نه. در نتیجه آزمون فریدمن برای تجزیه واریانس دو طرفه از طریق رتبه بندی و همچنین مقایسه میانگین رتبه بندی گروه های مختلف به کار می رود (حبیب پور و صفری، ۱۳۹۰:۶۹۴).

نتایج آزمون فریدمن در جدول ۳ آمده است. مطابق با یافته ها می توان ابراز کرد که با توجه به مقدار χ^2 دو که برابر با شده است و در سطح خطای کمتر ۰/۰۱ معنی دار است، باید گفت میان ۹ مانع تفکیک زباله تفاوت معنی داری وجود دارد و پاسخگویان در این ۹ مانع رتبه بندی متفاوتی دارند.

جدول ۳: نتایج آزمون فریدمن برای اولویت بندی موانع مشارکت در تفکیک زباله

۸	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معنی داری
۵۰۳/۸۴	مقدار کای اسکوئر

مقایسه میانگین رتبه ها در جدول شماره ۴، نیز نشان می دهد که مهم ترین مانع مشارکت از دید پاسخگویان دوری غرفه ها یا مخازن بازیافت (۶/۷۰) است و مانع دوم ساعت کاری نامناسب ماشین های شهرداری (۶/۰۹) و مانع سوم اشغال شدن فضای زیادی از خانه برای زباله های تفکیک (۵/۷۲) شده است. سایر موانع به ترتیب در جدول شماره ۳ ارائه شده است. لازم به ذکر است که بی حوصلگی و تنبلی به عنوان مانع چهارم در موانع مشارکت قرار گرفته است.

جدول ۴: رتبه بندی موانع مشارکت در تفکیک زباله در مبدأ براساس میانگین نمرات

میانگین رتبه ها	موانع
۶/۷۰	۱. دوری غرفه ها یا مخازن بازیافت
۶/۰۹	۲. ساعت کاری نامناسب ماشین های شهرداری
۶/۷۲	۳. اشغال فضای زیادی از خانه
۵/۶۵	۴. بی حوصلگی و تنبلی
۴/۸۰	۵. سختی رفت و آمد (از پله یا آسانسور)
۴/۴۹	۶. نداشتن کیسه یا نایلون کافی
۴/۴۴	۷. زحمت زیاد تفکیک
۳/۸۵	۸. وقت گیر بودن تفکیک
۳/۲۶	۹. آشنا نبودن با چگونگی تفکیک

توصیف متغیرهای اصلی پژوهش: در جدول شماره ۵، شاخص های میانگین و انحراف معیار مربوط به سایر متغیرهای اصلی پژوهش ذکر شده است. لازم به ذکر است که دامنه میانگین متغیرهای رضایت از عملکرد شهرداری، سودمندی مشارکت در تفکیک زباله و پیوند همسایگی از ۱ تا ۵ است و دامنه میانگین سایر متغیرهای از ۱ تا ۴.

نتایج جدول ۵ نشان می دهد که میانگین متغیر رضایت از عملکرد شهرداری برابر با ۲/۸۷ و با انحراف معیار ۰/۶۷ بدست آمده است. میانگین متغیر سودآوربودن تفکیک برابر با ۳/۳۳ با انحراف معیار ۰/۶۰، میانگین متغیر پیوند همسایگی برابر با ۲/۲۴ با انحراف معیار ۰/۸۶، میانگین متغیر مسؤولیت شهروندی برابر با ۳/۲۷ با انحراف معیار ۰/۵۹، میانگین متغیر اعتماد تعمیم یافته برابر با ۲/۱۶ با انحراف معیار ۰/۴۹، میانگین متغیر اعتماد به شهرداری برابر با ۲/۶۱ با انحراف معیار ۰/۹۰، میانگین متغیر نگرش زیست محیطی برابر با ۳/۲۷ با انحراف معیار ۰/۵۷ و در انتها میانگین متغیر دیدگاه های نادرست در مورد امر تفکیک زباله برابر با ۱/۸۷ با انحراف معیار ۰/۴۵ بدست آمده است.

جدول ۵: توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
رضایت از عملکرد شهرداری	۲ / ۸۷	۰ / ۶۷
سودآوربودن تفکیک	۳ / ۳۳	۰ / ۶۰
پیوند همسایگی	۲ / ۲۴	۰ / ۸۶
مسؤولیت شهروندی	۳ / ۲۷	۰ / ۵۹
اعتماد تعمیم یافته	۲ / ۱۶	۰ / ۴۹
اعتماد به شهرداری	۲ / ۶۱	۰ / ۹۰
نگرش زیست محیطی	۳ / ۲۷	۰ / ۵۷
باورهای نادرست	۱ / ۸۷	۰ / ۴۵

بررسی رابطه میزان مشارکت در تفکیک زباله با متغیرهای پژوهش: با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون (رابطه اعتماد به نهاد شهرداری و مشارکت در تفکیک زباله با ضریب همبستگی اسپیرمن بررسی شد) به بررسی رابطه بین متغیرهای اصلی پژوهش با میزان (مشارکت در) تفکیک زباله از مبدأ می پردازیم (جدول ۶).

جدول ۶: همبستگی بین مشارکت در تفکیک زباله و متغیرهای اصلی

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
شرایط عمل (موانع تفکیک)	-۰/۴۴	۰/۰۰۰
مسئولیت شهروندی	۰/۴۳	۰/۰۰۰
رضایت از شهرداری	۰/۰۸	۰/۱۰۹
پیوند همسایگی	۰/۰۲	۰/۶۹۱
اعتماد تعمیم یافته	-۰/۰۷	۰/۱۸۷
اعتماد به شهرداری	۰/۱۶	۰/۰۰۴
نگرش زیست محیطی	۰/۱۴	۰/۰۰۴
سودمندی تفکیک	۰/۲۱	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی اقتصادی	۰/۰۵	۰/۴۲۸
باورهای نادرست	-۰/۱۳	۰/۰۱۴

نتایج جدول ۶، نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($P < 0.05$) بین باورهای نادرست افراد در مقوله تفکیک زباله از مبدأ با میزان تفکیک زباله رابطه معنی دار وجود دارد. همچنین در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($P < 0.01$) بین موانع تفکیک (شرایط عمل)، مسئولیت شهروندی، اعتماد به نهاد شهرداری، نگرش زیست محیطی و سودمندی تفکیک رابطه معنی دار وجود دارد. قوی ترین رابطه با میزان تفکیک زباله مربوط به متغیرها شرایط عمل ($r = -0.44$) و سپس مسئولیت شهروندی ($r = 0.43$) است.

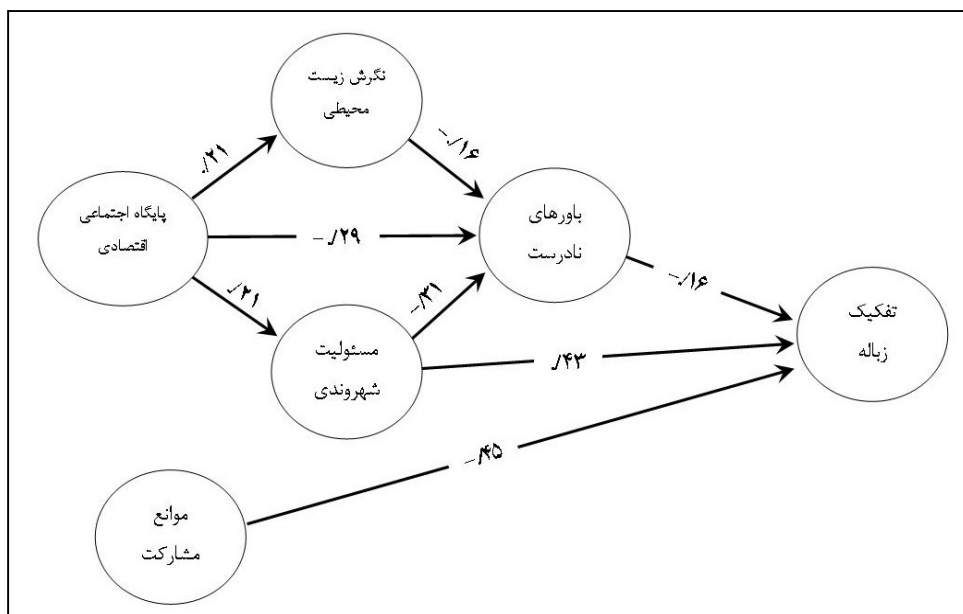
۴-۱- آزمون مدل پژوهش

تحلیل مسیر برای آزمون مدل های علی به کار می رود و مستلزم تنظیم نموداری به صورت نمودار علی است و به ما کمک می کند ببینیم در پی چه چیزی هستیم. در تحلیل مسیر از ضریب تعیین^۴ استفاده می شود و از این رو می توان مناسب بودن مدل را ارزیابی کرد و با استفاده از وزن بتا (که در تحلیل مسیر ضریب مسیر خوانده می شود) مقدار اثر هر متغیر را تعیین کرد. علاوه بر این، تحلیل مسیر ما را قادر می سازد به سازوکار اثر متغیرها بر یکدیگر پی ببریم؛ تحلیل مسیر مشخص می کند اثر هر متغیر تاچه حد مستقیم و تا چه حد غیر مستقیم است. بدین ترتیب تحلیل مسیر به طریق قابل فهم ساده ای اطلاعات زیادی درباره فرآیندهای علی فراهم می آورد (دواس، ۱۳۷۶:۲۲۲).

در این تحقیق جهت بررسی مدل از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شد. متغیرهای مدل عبارتند از متغیرهای موانع مشارکت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی (متغیر مستقل)، متغیرهای نگرش زیست محیطی، مسئولیت شهروندی و باورهای نادرست (متغیر وابسته میانی) و متغیر تفکیک زباله (متغیر وابسته نهایی). در شکل ۲ متغیرهای پژوهش و میزان ضریب مسیر آن ها مشخص شده است.

شکل ۲ نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد متغیرهای باورهای نادرست، موانع مشارکت و مسئولیت شهروندی بر متغیر میزان تفکیک زباله از مبدأ مؤثرند. همچنین نتایج مدل تحلیل مسیر نشان می دهد که متغیر مسئولیت شهروندی تأثیر غیر مستقیمی نیز از طریق متغیر باورهای نادرست بر متغیر مشارکت در تفکیک زباله از مبدأ دارد. تأثیر متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی و نگرش زیست محیطی فقط غیر مستقیم است. اثر کل متغیر موانع مشارکت بر متغیر میزان تفکیک زباله از مبدأ برابر با ۰/۴۵-، تأثیر کل متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی بر میزان تفکیک زباله از مبدأ برابر با ۰/۱۵، تأثیر کل متغیر نگرش زیست محیطی بر میزان تفکیک زباله از مبدأ برابر با ۰/۲۵، کل تأثیر متغیر مسئولیت شهروندی بر میزان تفکیک زباله از مبدأ برابر با ۰/۴۸ و تأثیر کل متغیر باورهای نادرست بر میزان تفکیک زباله از مبدأ برابر با ۰/۱۶- بدست

آمده است. نتایج نشان می دهد که متغیر مسؤولیت شهروندی و سپس موانع مشارکت بیشترین تأثیر را بر میزان تفکیک زباله از مبدأ دارند.



شکل ۲: نمودار مسیر با ضرایب مسیر

از آنجا که متغیرهای وارد شده در مدل و روابط بین آنها معنی دار شده است، به بررسی مقدار ضریب تعیین می پردازیم. براساس نتایج مندرج در جدول شماره ۷، مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۳۶ شده است. تفسیر آن نیز به این صورت است که متغیرهایی که بر میزان تفکیک زباله از مبدأ تأثیر مستقیم دارند در مجموع می توانند ۳۶ درصد از تغییرات متغیر میزان تفکیک زباله از مبدأ را تبیین کنند.

جدول ۷: تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم و کل بر متغیر میزان تفکیک زباله و میزان R^2

متغیرها	انواع تاثیر	
	مستقیم	غیرمستقیم
موانع مشارکت	-۰/۴۵	—
پایگاه اجتماعی- اقتصادی	—	۰/۱۵
نگرش زیست محیطی	—	۰/۰۲۵
مسئولیت شهروندی	۰/۴۳	۰/۰۴۹
باورهای نادرست	- ۰/۱۶	—
$R^2 = ۰/۳۶$		

۵- بحث و نتیجه‌گیری

مطابق با مدل مفهومی، عوامل اجتماعی بر تفکیک زباله اثر مستقیمی نداشته و تأثیرشان غیرمستقیم بوده و از طریق عوامل فرهنگی صورت می‌گیرد. نتایج نشان از نقش مهم و قابل اعتنای عوامل فرهنگی دارد. تمامی عوامل فرهنگی مدل مفهومی دارای نقش تجربی تأیید شده ای بر مشارکت در تفکیک زباله از مبدأ شده‌اند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عواملی که بر مشارکت افراد در مقوله تفکیک زباله از مبدأ مؤثرند دارند، متفاوت از عواملی هستند که بر سایر انواع مشارکت مؤثرند. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی افراد، عامل مهمی در مقوله تفکیک زباله از مبدأ به شمار نمی‌رود. از بین آن دسته از ابعاد سرمایه اجتماعی که در این پژوهش سنجیده شد (پیوند همسایگی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی)، بعد اعتماد نهادی دارای تأثیر معنی دار بر میزان تفکیک زباله از مبدأ است که البته شدت تأثیر یا رابطه این متغیر نیز ضعیف است (۰/۱۶). پیوند همسایگی افراد و اعتماد تعمیم یافته تأثیری بر میزان تفکیک زباله از مبدأ از سوی افراد ندارند. این امر شاید معلول این باشد که هنوز میزان مشارکت در تفکیک زباله از مبدأ از سوی شهروندان پایین است و چنانچه میزان تفکیک زباله از مبدأ از سوی شهروندان افزایش چشمگیری پیدا کند، بتوان نقش مهم تری برای سرمایه اجتماعی قائل شد.

از مهم ترین یافته های این پژوهش این است که موانع مشارکت (در کنار مسئولیت شهروندی) دارای بیشترین نقش در میزان تفکیک زباله از مبدأ از سوی افراد است. مرور تحقیقات مرتبط با مشارکت نشان می‌دهد عمدتاً عواملی مانند سرمایه اجتماعی، بی قدرتی، خوداثربخشی، پایگاه اجتماعی اقتصادی و سودمندی مشارکت به عنوان عوامل مهم شناخته و

ارزیابی شده‌اند، اما در مقوله تفکیک زباله از مبدأ می‌بایست عوامل دیگر مورد توجه قرار گیرند. آزمون مدل پژوهش نشان داد که موانع مشارکت دارای تأثیری به میزان ۰/۴۵- بر میزان تفکیک زباله از مبدأ است که بعد از مسؤولیت شهروندی که دارای تأثیری به میزان ۰/۴۸ است بیشترین مانند پایگاه اجتماعی اقتصادی و سودمندی تفکیک زباله مبدأ هستند. در همین ارتباط مقایسه موانع احتمالی موجود در زمینه مشارکت در مقوله تفکیک زباله از مبدأ نشان می‌دهد که شهروندان چهار مانع دوری غرفه‌ها یا مخازن بازیافت، ساعت کاری نامناسب ماشین‌های شهرداری، اشغال فضای زیادی از خانه و بی‌حوصلگی و تنبلی را به ترتیب به عنوان مهم‌ترین موانع مشارکت خود در مقوله تفکیک زباله از مبدأ برشمرده‌اند. در زمینه عامل احساس مسؤولیت شهروندی نیز چنانچه افراد خود را در قبال وضعیت و پیشرفت شهری که در آن زندگی می‌کنند مسؤول بدانند مشارکت بیشتری در تفکیک زباله از مبدأ خواهند داشت. زمانی که عوامل اقتصادی انگیزه مهمی در فرد ایجاد نکنند (نقش اندک سودآور بودن اقتصادی تفکیک زباله از مبدأ در این پژوهش) می‌بایست انگیزه‌ها و عوامل دیگر را مورد توجه قرار داد و تقویت کرد. اعتقاد بر این است که تعمیق و بسط احساس مسؤولیت شهروندی در بین افراد اقدامی زمان‌بر و ملی بوده و عوامل زیادی در آن دخیل‌اند. در مجموع این نتایج نشان می‌دهد که جهت گسترش مشارکت شهروندان در مقوله تفکیک زباله از مبدأ می‌بایست موانع مشارکت آن‌ها را دقیقاً شناخت و با برنامه‌ریزی مناسب اقدام به کاهش یا رفع این موانع نمود. همچنین تعمیق و نهادینه کردن احساس مسؤولیت شهروندی در بین افراد می‌تواند منجر به مشارکت مؤثرتر آنان در این حیطه شود.

پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد دارای تأثیری غیر مستقیم بر میزان تفکیک زباله مبدأ است. مطابق با چارچوب نظری انتظار می‌رفت که افرادی که پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری دارند میزان مشارکت بیشتری نیز داشته باشند. اما نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پایگاه اجتماعی اقتصادی (ترکیب تحصیلات، درآمد و مالکیت منزل مسکونی) تأثیری مستقیم بر میزان مشارکت افراد بر مقوله تفکیک زباله از مبدأ ندارد.

نتایج نشان می‌دهد که وجود باورهای نادرست می‌تواند منجر به کاهش مشارکت در تفکیک زباله از مبدأ شود. باورهای و دیدگاه‌های افراد بر رفتار آنان تأثیرگذار است و مانند بسیاری از موضوعات دیگر، در مورد موضوع تفکیک زباله از مبدأ نیز می‌توان انتظار وجود باورهای نادرست را داشت. می‌بایست با شناخت این باورها و دیدگاه‌های نادرست اقدام به اصلاح این باورها نمود تا زمینه فکری لازم جهت مشارکت هر چه بیشتر افراد فراهم گردد.

وجود رابطه معنی دار بین سودمندی اقتصادی (هزینه و فایده) مشارکت و میزان تفکیک زباله از مبدأ امری مورد انتظار بود، اما آنچه بایست بدان توجه کرد وجود رابطه ضعیف (۰/۲۱) بین این دو متغیر است. این میزان رابطه با مقایسه با عوامل دیگر مانند موانع مشارکت (۰/۴۴-) و مسؤولیت شهروندی (۰/۴۳) بیشتر قابل تأمل است. شاید این امر بدین دلیل باشد که شهروندان مناطق مرفه تر و با درآمد بالاتر، چندان به سود اقتصادی شخصی شان از تفکیک زباله توجه نکنند (برخلاف ساکنان مناطق با درآمد پایین) و نیز بایستی توجه کرد که ماشین های مکانیزه جمع آوری زباله های خشک هزینه ای بابت زباله های خشک شهروندان به آن ها پرداخت نمی کنند و نیز فروش زباله های خشک به دوره گردها با مسائل خاصی (به خصوص در مناطق مرفه تر) همراه است. همچنین ممکن است افراد به دلیل فاصله منزل شان با غرفه های بازیافت از حمل و فروش آن به غرفه های بازیافت خودداری کرده و زباله خشک خود را جلوی درب منزل خویش بگذارند و یا به ماشین های شهرداری تحویل دهند و یا بدون دریافت مبلغی آن را به دوره گردها تحویل دهند. در واقع به نظر می رسد آن چه می تواند منجر به مشارکت بیشتر افراد در تفکیک زباله های جامدشان و تحویل آن به شهرداری گردد عواملی مانند موانع مشارکت و یا میزان احساس مسؤولیت شهروندی در آنان باشد. همچنین نتایج نشان از عدم تأثیر سودمندی اقتصادی تفکیک زباله از مبدأ در مدل تجربی دارد. به نظر می آید حضور عوامل مهم دیگر مانند احساس مسؤولیت شهروندی، یا شرایط عمل (موانع مشارکت) و یا در جایگاهی بالاتر پایگاه اقتصادی اجتماعی تبیین کننده عدم تأثیر سودمندی مشارکت باشد.

منابع

- آلموند، جی آ و پاول، بی جی (۱۳۸۰). مشارکت و حضور سیاسی شهروندان. ترجمه علیرضا طیب. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۱۶۴-۱۶۳، ۱۴۷-۱۳۶.
- تقوایی، مسعود؛ باباناسب، رسول و چمران موسوی (۱۳۸۸). تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز). *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۱(۲)، ۳۶-۱۹.
- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد (۱۳۸۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۲)، ۴۴-۳۰.
- حبیب پور، کرم و صفری شالی، رضا (۱۳۸۸). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی*. تهران: لویه، متفکران.
- دواس، دی. ای (۱۳۷۶). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- سازمان ملل (۱۳۷۷). *کنفرانس درباره محیط زیست و توسعه، دستور کار شماره ۲۱*، ترجمه حمید طراوتی و سید امیر ایافت. تهران: انتشارات سازمان محیط زیست با همکاری برنامه عمران ملل متحد.
- سرور، رحیم، و جعفری، فرهاد (۱۳۸۸). تحلیل روند شهرنشینی و آینده‌نگری رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی در منطقه کلانشهری تهران. *فصلنامه جغرافیا (فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)*، ۲۳، ۹۳-۷۷.
- صالحی، صادق و امام‌قلی، لقمان (۱۳۹۱). مطالعه تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای زیست‌محیطی. *دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۳(۱)، ۱۴۸-۱۲۱.
- عبدلی، محمدعلی، و کرباسی، عبدالرضا، و غزنوی کاشانی، مونا (۱۳۸۸). بازیافت زباله‌ها- مطالعه موردی شهر تهران. *دوازدهمین همایش بهداشت محیط ایران*. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- علوی تبار، عیسی (۱۳۸۲). *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (جلد اول)*، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- عمرانی، قاسمعلی (۱۳۷۳). *مواد زاید جامد*. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

- کریمی، رامین (۱۳۹۲). بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندی. مورد مطالعه: تفکیک زباله از مبدأ در شهر تهران (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشگاه خوارزمی).
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه شناسی. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۹۱). درآمدی بر مشارکت اجتماعی (با مقدمه ای از دکتر پرویز پیران). تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- نایبی، هوشنگ (۱۳۸۸). آمار توصیفی برای علوم اجتماعی. تهران: انتشارات سمت.
- نظریان، اصغر (۱۳۷۴). جغرافیای شهری ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- نقوی، رضا، و فرضی دیری، عبدالامیر (۱۳۸۶). بررسی مدیریت پسماند خشک شهر تهران. سومین همایش ملی مدیریت پسماند. سازمان شهرداریها و دهرداریهای کشور، سازمان حفاظت محیط زیست.
- Batool, S. A., Chaudhry, N., & Majeed, K. (2008). Economic potential of recycling business in Lahore, Pakistan. *Waste Management*, 28(2), 294-298.
- LaGrega M. D., Buckingham, P. L. & Evans, j. c. (2001). Hazardous *Waste Management* (2nd Ed.). Illinois: Waveland Press Inc.
- Dahlén, L., Vukicevic, S., Meijer, J. E., & Lagerkvist, A. (2007). Comparison of different collection systems for sorted household waste in Sweden. *Waste Management*, 27(10), 1298-1305.
- Molinas, J. (1998). The impact of inequality, gender, external assistance and social capital on local-level cooperation. *World Development*, 26(3), 413-431.
- U.S. EPA. (2004). *Guide for industrial waste management*, USA, Washington DC: EPA.